

روزنه

افشای یک مطالعه دولتی در چین

تمرکز یکن بر همانندسازی اقلیت ها

● نتایج یک مطالعه دولتی که به دست بی‌بی‌سی فارسی رسیده نشان می‌دهد انتقال صدها هزار مسلمان اویغور و سایر اقلیت‌های قومی استان سین کیانگ به مشاغلی دور از خانه جمعیت آنها را می‌کاهد و به سیاست همانندسازی اقلیت‌ها منجر می‌شود.

این اطلاعات از پژوهشی درز کرده است که برای مقام‌های رده بالای چین تهیه شده و به بخشی از آن بر همانندسازی (assimilation) مسلمانان اویغور و دیگر اقلیت‌ها تمرکز شده است. دولت تلاش برای تغییر مشخصات جمعیتی این استان غربی چین را رد می‌کند و معتقد است انتقال افراد با هدف افزایش دستمزدها و کاهش فاصله طبقاتی و بی‌کاری مزمن در روستا طراحی شده است؛ بنابراین طرح سیاست انتقال صدها هزار نفر به مشاغل جدیدی که اغلب دور از خانه قرار دارد، کمک می‌کند تا از تراکم جمعیت اویغورها کاسته شود و درعین حال، به تغییر تفکر آنها کمک کند.

مسلمانان اویغور عمدتا در استان سین کیانگ در غرب چین سکونت دارند. مقام‌های چین می‌گویند نگران فعالیت‌های جدایی طلبانه مسلمانان افراطی در این مناطق هستند.

تخمین‌های معتبر نشان می‌دهد که در چند سال گذشته بیش از یک میلیون نفر به شبکه‌ای از اردوگاه‌های شدیداً امنیتی در استان سین کیانگ منتقل شده‌اند اما منتقدان می‌گویند دولت در سیاست جذب اقلیت‌ها از نیروی تهدید و اجبار استفاده می‌کند تا سبک زندگی و تفکر اویغورها را تغییر دهد. چین اصرار دارد که این اردوگاه‌ها چیزی جز مراکز آموزشی برای مقابله با افراط‌گرایی نیستند و حضور در آنها نیز داوطلبانه است. در حالی است که سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر می‌گویند اویغورهای مسلمان تحت عنوان «بازآموزی عقیدتی» به این اردوگاه‌ها اعزام و مجبور می‌شوند عقاید دینی خود را انکار کنند.

دولت چین تاکنون ادعاهای مرتبط به نسل‌کشی تدریجی مسلمانان اویغور را در استان سین کیانگ رد کرده است. این ادعاها با اشاره به سیاست‌های یکن درباره حبس دسته‌جمعی، عقیم‌سازی اجباری و تلاش دولت برای کنترل بارداری این اقلیت مطرح شده‌اند. سازمان ملل در چند سال گذشته نسبت به ایجاد این اردوگاه‌ها و تشابه آنها با اردوگاه‌های کار اجباری ابراز نگرانی کرده و گفته است که بیش از یک میلیون نفر از مسلمانان عمدتاً اویغور به ظن داشتن گرایش‌های دینی و حمایت از اسلام‌گرایی در این اردوگاه‌ها محبوس هستند. آمریکا نیز با متهم‌کردن چین به نقض اصل آزادی دینی مسلمانان و جلوگیری از عمل آنان به مناسک و آداب دینی و هشدار درخصوص اردوگاه‌های مسلمانان اویغور، تحریم‌هایی را علیه چین در نظر گرفته است.

جوان

با وجود خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید، روابط اسرائیل با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین نزدیک‌تر شده و مقام‌های نظامی دولت جدید آمریکا ازجمله ژنرال مکزیی فرمانده سنتکام، مذاکراتی را با اسرائیل برای تقویت مناسبات نظامی اسرائیل و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس انجام داده است.

بر اساس گزارش رسانه‌های منطقه‌ای، عربستان، امارات و بحرین هم در هفته‌های گذشته مذاکرات خود با اسرائیل را برای ایجاد اتحاد امنیت دفاعی آغاز کرده‌اند اگرچه هنوز برخی موانع ایجاد اتحاد امنیتی وجود دارد، اما روابط نزدیک‌تر اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس آغاز جدیدی را برای ژئوپلیتیک خاورمیانه نشان می‌دهد و این اتحاد نظامی و امنیتی می‌تواند به تشکیل ناتوی خاورمیانه منجر شود؛ اتحادی که مقابله با ایران، مهم‌ترین انگیزه تشکیل آن به شمار می‌آید. در تاریخ خاورمیانه، اتحادهای امنیتی و پیمان‌های دفاعی متعددی وجود داشته است. در دوران جنگ سرد، ایالات متحده با همراهی چندین کشور خاورمیانه از جمله ترکیه، ایران، عراق و پاکستان پیمان بغداد را در دهه ۱۹۵۰ به امضا رساند تا در برابر نفوذ اتحاد جماهیر شوروی مقاومت کنند. با این حال، این پیمان با مخالفت شدید سایر کشورهای خاورمیانه روبه‌رو شد و سال‌ها بعد فروپاشید. کشورهای عربی هم در آن سال‌ها تلاش کردند اتحادهای نظامی و سیاسی تشکیل دهند. مصر و بحرین و عمان شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند و این شورا با وجود تنش‌های متعدد میان اعضا، همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. با این حال، شورای همکاری خلیج فارس به یک سازمان نظامی و سیاسی منطقه‌ای یکپارچه تبدیل نشده و همچنان یک سازمان منطقه‌ای بدون ساختار است.

در دهه‌های گذشته تلاش‌هایی برای ایجاد یک اتحاد نظامی در خاورمیانه مشابه ناتو انجام شد اما تاکنون موفقیت‌آمیز نبود. این بار ایالات متحده امیدوار است تا عادی‌سازی روابط اسرائیل با تعدادی از کشورهای عرب خلیج فارس ایجاد ناتوی خاورمیانه را تسهیل کند.

ناکامی‌های پیشین

عدم موفقیت در ایجاد ناتوی خاورمیانه عمدتا از دو عامل ناشی می‌شود؛ از یک طرف، هماهنگی خارجی الزامی نمی‌تواند منجر به اتحاد منطقه‌ای

جهان

مذاکرات اسرائیل، آمریکا، عربستان، امارات و بحرین برای تشکیل اتحاد نظامی

رؤیای ناتوی خاورمیانه



قدرتمندی شود. در پیمان بغداد، ایالات متحده امیدوار بود تا کشورهای خاورمیانه بتوانند درک مشترکی با واشنگتن نسبت به خطر نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه داشته باشند، اما در واقع، از نظر اکثر کشورهای منطقه شوروی مهم‌ترین تهدید به شمار نمی‌آمد. برخی از کشورهای عربی از جمله مصر و سوریه، اتحاد جماهیر شوروی را نه یک تهدید بلکه به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد برای ایستادگی در برابر مداخله اسرائیل و ایالات متحده تصور می‌کردند. بنابراین، اگرچه ایالات متحده تلاش کرد تا کشورهای منطقه را ترغیب کند به این پیمان بپیوندند اما تعداد کمی از کشورها با واشنگتن همراهی کردند. از طرف دیگر به دلیل نبود تعادل منطقه‌ای و داخلی، چنین اتحادی ماندگار نخواهد بود. در تجربه تشکیل اتحاد کشورهای عربی شاهد بودیم که سوری‌های ناراضی مخالف سلطه مصر بودند و این مخالفت باعث تنش در چنین اتحادی شد. در مورد شورای همکاری خلیج فارس هم تلاش‌های عربستان سعودی در تبدیل این شورا به یک پیمان نظامی منطقه‌ای منسجم‌تر، با مخالفت شدید سایر کشورهای کوچک عربی خلیج فارس روبه‌رو شده است.

تغییرات خاورمیانه

با وجود این تجربه‌های ناکام، تغییراتی که در خاورمیانه ایجاد شده ممکن است این بار نتیجه‌ای متفاوت رقم بزند. در دهه گذشته ژئوپلیتیک خاورمیانه به طرز درخور توجهی دگرگون شده است. افزایش قدرت و نفوذ ایران و افول قدرت‌های عربی باعث تغییر چشم‌انداز منطقه و زمینه‌سازی

پازل خاورمیانه و دولت جدید آمریکا

ضمدوشکی و از این نوع خواهند فروخت.

وضعیت نابهنجار انسانی هم در یمن روبه‌روز بدتر شده و می‌شود و این به نیمه‌اعتباری که آمریکایی‌ها داشتند و دارند، ضربه خواهد زد. باید پاسخ‌گوی این وضعیت باشد. لذا به نظر می‌آید آمریکا به دنبال کسب امتیاز سیاسی در این جنگ است. ما به‌عنوان یک انسان و یک ایرانی استقبال می‌کنیم که هر چه زودتر رنج‌های مردم یمن تمام شود، محاصره و جنگ تمام شود، بازسازی شود و… اما این مردم یمن هستند که ایستاداند و تا به اهدافشان نرسند، طبعاً مقاومت خواهند کرد. فضای میدانی هم الان بیشتر به نفع انصارالله است. م‌آرب اگر به دست انصارالله بیفتد عملاً چیزی از یمن باقی نمی‌ماند که عربستان یا امارات یا آمریکا بخواهد به دست بگیرد یا مدعی داشتن دولت مستعفی شود.

۴ در عین حال ما شاهد رفتارهای جدیدی از سوی دولت آمریکا در قبال رفقای اصلی ایران در منطقه یعنی اسرائیل و عربستان هستیم. تماس با نتانیاهو به شکل یک سابقه‌ای که به تأخیر می‌افتد و در نهایت در آن تماس هم باید‌ن تصمیم‌ش در قبال ایران را که ساعتی بعد اعلام شد، به نتانیاهو خبر نمی‌دهد. درباره بن‌سلمان هم که گفته‌اند طرف حسابشان نیست و با کمک سلمان طرف هستند. برخی می‌گویند آمریکا قصد دارد به‌خصوص بعد از رویکرد چهارساله ترامپ، با هدف اینکه دینامیک قدرت در منطقه را کمی به سمت توازن و تعادل ببرد، هم‌زمان با پیگیری تعامل با ایران چک‌های سفیدی را که در این زمینه علیه ایران داده بود، پس بگیرد. شما این روند را چگونه می‌بینید؟

این معادله غیرتعادلی است و به نظر می‌آید تا آمریکا رویه کلی‌اش را عوض نکند در منطقه و به سبک دیگری رفتار نکند، همچنان شاهد این مناقشات خواهیم بود و کمکی به رفع‌ورجوع روابط نخواهد کرد. به نظر آمریکا در حالتی از خلا به سر می‌برد و می‌تواند تصمیم‌گیری کند. حالا باید منتظر شد و دید چقدر تیم جدید آقای بایدن بتواند از مسائل گذشته خارج شود و جغرافیای جدید را از نو بخواند و به نعل و شامل نگذارد. البته چک سفیدی را که داده شده بود، ممکن است حالا پس بگیرند و به چک وعده‌دار تبدیلش کنند.

اما روابط با این دو رژیم تغییر عمده‌ای پیدا نخواهد کرد. البته آمریکایی‌ها منتظر هستند که طبق روال قبلی از ایران هم دواد سفیدی دیده شود. اما در گذشته سه هدف اصلی از روابط با عربستان داشتند که این سه هدف همچنان هستند در عین حال مقداری کاهش پیدا کرده‌اند. درست است که به نفت عربستان نیاز ندارند و به‌نوعی خودکفایی در نفت رسیده‌اند، ولی همچنان به نقش عربستان در کنترل قیمت نفت نیازمند هستند. از جهت دیگر برای فروش تسلیحات یا محصولات نیاز دارند به بازار عربستان. به چنین بازاری که بدون حساب و کتاب خرید می‌کند، احتیاج دارند و خب اخیراً هم به دنبال این هستند که بتوانند با همکاری این دو رژیم ایران را کنترل کنند. بنابراین عربستان را از دست نخواهند داد، ولی سعی می‌کنند کنترلش کنند و کنترل‌شده‌تر عمل کند که فجایی مثل حمله به یمن تکرار نشود.

این نکته مهمی است. آمریکا می‌خواهد کسی از این حاکمان صدام‌گونه رفتار نکند، صدام جدای از حمله به ایران وقتی به کویت حمله کرد، از خط قرمزشان

شماره ۳۹۵۵ • روزنامه شرق • سال هجدهم

خبر

در آستانه سفر باب به عراق صورت گرفت

شلیک ۱۰ راکت به پایگاه عین‌الاسد

● دو منبع امنیتی روز چهارشنبه در گفت‌وگو با رویترز از حمله‌های راکتی متعدد به پایگاه هوایی عین‌الاسد در عراق خبر دادند که محل استقرار نیروهای آمریکایی است.

تا لحظه تنظیم گزارش، هنوز گزارشی از تلفات این حمله که ۷:۲۰ صبح چهارشنبه به وقت محلی انجام شده، منتشر نشده است. آمریکا حمله راکتی به مقر نیروهای خود در عرق را در حالی تأیید کرده است که پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان دو روز آینده قرار است برای نخستین‌بار به این کشور سفر کند. همچنین این حمله موشکی تازه تنها دو روز پس از آن رخ می‌دهد که مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق تأکید کرده بود که دولتش به کسی اجازه نمی‌دهد در خاک عراق «پیام موشکی یا تروریستی» بفرستد.

اما پیش از منطقه سبز، پایگاه هوایی «بلد» در شمال عراق، مقر نظامیان آمریکایی در شامگاه شب گذشته هدف حمله چهار فروند موشک قرار گرفته بود و حدود دو هفته پیش از آن نیز چندین راکت به سوی یک پایگاه نظامی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا، واقع در فرودگاه بین‌المللی اربیل در اقلیم کردستان عراق شلیک شده بود. مدتی بعد از این حمله، وزارت دفاع آمریکا ۲۶ فرونده از حمله هوایی به نقطه‌ای در مرز سوریه و عراق خبر داد و گفت این حمله با دستور جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا و به تلافی حمله هفته گذشته به پایگاه نظامیان آمریکایی انجام گرفته است.

در همین حال گزارش رویترز حاکی از آن است که ۱۳ راکت از فاصله هشت کیلومتری پایگاه عین‌الاسد شلیک شده‌اند و یک پیمانکار غیرنظامی بر اثر سکته قلبی کشته شده است اما نیروی ائتلاف تحت رهبری آمریکا در عراق اعلام کردند که ۱۰ راکت پایگاه نظامیان آمریکایی در عراق را هدف گرفته است.

در بیانیه نیروهای ائتلاف آمده است که عراق مسئولیت تحقیقات درباره این حمله را برعهده دارد و اطلاعات بیشتری در صورتی که در دسترس قرار بگیرد، ارائه می‌شود. گروه اطلاع‌رسانی امنیتی عراق نیز در بیانیه‌ای درباره هدف قرارگرفتن پایگاه عین‌الاسد اعلام کرد: صبح ۱۷ روز راکت از نوع «گراده» به پایگاه عین‌الاسد اصابت کرد اما خسارت‌های شایان ذکری بر جای نگذاشت.

در ژانویه سال گذشته میلادی سپاه پاسداران ایران حمله‌های موشکی علیه این پایگاه انجام داده بود تا انتقام ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس را بگیرد. در همین حال، خبرگزاری فرانسه در گزارشی به نقل از مقام‌های امنیتی غربی که به ناامشان اشاره کرده مدعی شده است که موشک‌ها «از مدل آرش ساخت ایران» بوده‌اند. فرماندهی مرکزی آمریکا، سنتکام، سه‌شنبه برای نخستین بار تصاویری از حمله ایران را منتشر کرده بود. در گزارش رویترز آمده است که حمله‌هایی که در داخل عراق علیه منافع آمریکا انجام می‌شوند، معمولاً به گروه‌های نیابتی تحت حمایت ایران نسبت داده می‌شوند اما تهران هیچ‌گاه مسئولیت این حمله‌ها را نپذیرفته است.

چرا عین‌الاسد مهم است؟

عین‌الاسد در زمان «آزادسازی عراق» و سرنگونی حکومت صدام، دومین پایگاه بزرگ نیروهای آمریکایی در عراق بود. وزیر خارجه آمریکا سال گذشته شمار نیروهای این کشور در سراسر عراق را حدود پنج هزار نفر اعلام کرده بود اما شمار دقیق نیروهای آمریکایی در پایگاه عین‌الاسد و دیگر پایگاه‌ها به طور دقیق مشخص نیست.

در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیروهای آمریکایی بخش عمده نفرات خود را از این پایگاه خارج کردند. تفنگ‌داران اعزامی آمریکا به عراق در ماه مارس ۲۰۱۰ به عملیات خود در عراق پایان دادند و در دسامبر ۲۰۱۰ این پایگاه رسماً بسته شد. پایگاه الاسد در سال ۲۰۱۱ به طور کامل به دولت عراق بازگردانده شد و پس از آن به مرکز لشکر هفتم ارتش عراق تبدیل شد اما در سال ۲۰۱۴ نیروهای آمریکایی بار دیگر به بهانه مبارزه با داعش به این پایگاه برگشتند.

این پایگاه هوایی، بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در غرب عراق و به نوعی برای آمریکایی‌ها معادل «منطقه عین بغداد» به استه، در حالی که محله‌های اطراف عین‌الاسد به اندازه هر جای دیگری در عراق خطرناک بود اما این پایگاه به طور نسبی آرام‌تر بود و دسترسی هوایی آن نیز آسان است. تصاویر هوایی، استقرار چندین فروند جنگنده و بالگردهای آمریکایی و تأسیسات بسیار گسترده در این پایگاه را نشان می‌دهد. اهمیت این پایگاه برای دولت آمریکا به حدی است که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین این کشور در ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸ به همراه رهبرش شلیک مالدینا از این پایگاه به طور سرزده بازدید کرد. جورج بوش، رئیس‌جمهوری اسبق، کاندولیزا رایس وزیر خارجه دولت او و چند مقام سیاسی دیگر نیز در سال ۲۰۰۷ از این پایگاه نظامی بازدید کرده بودند؛ علاوه بر اینها این پایگاه نظامی مقصد بسیاری از سلبرتنی‌ها و چهره‌های سیاسی‌ای بود که قصد داشتند با نیروهای آمریکایی دیدار کنند.